

Factors influencing the process Rural rural management and its challenges

Abstract

RURAL MANAGEMENT IS ONE OF THE MOST IMPORTANT ELEMENTS IN THE ORGANIZATION AND IMPLEMENTATION OF RURAL AFFAIRS. THIS TYPE OF MANAGEMENT IS USED TO IMPROVE THE QUALITY OF LIFE AND PUBLIC SERVICES IN RURAL AREAS, FACILITATE LOCAL DECISION-MAKING AND INTERACTION BETWEEN THE LOCAL GOVERNMENT AND THE LOCAL COMMUNITY. RURAL RURAL MANAGEMENT IS A COMPLEX REALITY THAT IS INFLUENCED BY VARIOUS FACTORS. IN ORDER TO BETTER UNDERSTAND THIS ISSUE, THE CURRENT RESEARCH TRIES TO ANALYZE THE EFFECTIVE FACTORS IN THE PROCESS OF RURAL MANAGEMENT. THEREFORE, THE MAIN QUESTION IS, WHAT ARE THE EFFECTIVE FACTORS IN THE PROCESS OF RURAL MANAGEMENT? THE FINDINGS SHOW THAT THE PROCESS OF RURAL MANAGEMENT IS INFLUENCED BY VARIOUS POLITICAL, SOCIAL, ECONOMIC AND GEOGRAPHICAL FACTORS. EXAMINING THESE FACTORS SEPARATELY AND THEIR IMPACT ON RURAL RURAL MANAGEMENT SHOWS THAT RURAL RURAL MANAGEMENT REQUIRES ATTENTION TO ALL FACTORS AND EACH OF THEM CAN HAVE A SIGNIFICANT IMPACT ON RURAL RURAL MANAGEMENT AND DEVELOPMENT. IT SHOULD BE SAID THAT IN THIS REGARD, COORDINATION AND COOPERATION BETWEEN DIFFERENT ORGANIZATIONS AND INSTITUTIONS IS ALSO NECESSARY FOR THE EFFECTIVE MANAGEMENT OF VILLAGES.

KEY WORDS: MANAGEMENT, COUNTRYSIDE, DEVELOPMENT, VILLAGE

عوامل تأثیرگذار بر روند

مدیریت دهیاری روستایی و چالش‌های فراوری آن

علی اسکندری زویکی^۱ - میر سجاد موسوی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲

چکیده

مدیریت دهیاری یکی از مهم‌ترین عناصر در سازمان‌دهی و اجرای امور دهستان‌ها و روستاها است. این نوع مدیریت به منظور بهبود کیفیت زندگی و خدمات عمومی در مناطق روستایی، تسهیل در تصمیم‌گیری‌های محلی و تعامل بین دولت محلی و جامعه محلی بکار گرفته می‌شود. مدیریت دهیاری روستایی واقعیتی پیچیده است که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. برای درک بهتر این موضوع پژوهش حاضر تلاش دارد تا به واکاوی عوامل مؤثر در روند مدیریت روستایی بپردازد؛ بنابراین پرسش اصلی این است که عوامل مؤثر در روند مدیریت روستایی شامل چه مواردی است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که روند مدیریت روستایی تحت تأثیر عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی است. بررسی این عوامل به طور جداگانه و تأثیر آن‌ها بر مدیریت دهیاری روستایی نشان می‌دهد که مدیریت دهیاری روستایی نیازمند توجه به همه عوامل است و هر یک از آن‌ها می‌تواند تأثیر قابل توجهی در فرآیند مدیریت دهیاری و توسعه روستاها داشته باشند. باید گفت در این راستا هماهنگی و همکاری بین سازمان‌ها و نهادهای مختلف نیز برای مدیریت مؤثر روستاها ضروری است.

واژگان کلیدی: مدیریت، دهیاری، توسعه، روستا

Eskandarya19@gmail.com

^۱ کارشناس ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد تبریز، ایران.

Mosavi_saied@yahoo.com

^۲ دانشیار حقوق گروه علوم پایه دانشگاه پزشکی تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

روستا به عنوان یک واحد جغرافیایی در مقابل شهرها تعریف می‌شود. روستاها معمولاً مناطقی هستند که جمعیتشان کمتر از شهرهاست و فعالیت‌های اقتصادی اصلی آنها بیشتر در زمینه کشاورزی، دامداری و منابع طبیعی است. در روستاها، ارتباطات اجتماعی و تعاملات بین افراد معمولاً صمیمی‌تر و نزدیک‌تر است و معیشت اکثر افراد بر پایه خانواده و جامعه محلی استوار است. روستانشینی قدیمی‌ترین شکل یکجانشینی است و به معنای زندگی و سکونت مردم در مناطق روستایی است. در این شکل از یکجانشینی، جامعه در روستاها سازمان‌دهی می‌شود و افراد در آنجا زندگی و کشاورزی می‌کنند. این شکل از یکجانشینی به عنوان یک نمونه از سازمان‌دهی جامعه و تجربه انسانی در طول تاریخ شناخته شده است. بر همین اساس باید گفت تاریخچه مدیریت روستایی به قدمت‌های بسیاری برمی‌گردد. در گذشته، معمولاً با استفاده از سیستم‌های مشترک خانوادگی، قوانین خانوادگی یا هیئت مشاوره محلی، مسائل روستاها مدیریت می‌شد؛ اما با ظهور دولت‌های مدرن و رویکرد تمرکززدایی از وظایف دستگاه‌های دولتی موجب اصلاح ساختار و نظام اداری، منطقی کردن حجم و اندازه دولت، تقویت نهادها و سازمان‌های عمومی غیردولتی و واگذاری تصدی‌های اجتماعی و اقتصادی غیر ضرور به نهادهای محلی شد از سوی دیگر به دلیل اینکه محیط روستایی با شهرها متفاوت است، نیازمندی‌ها و چالش‌های مدیریتی نیز تفاوت دارد بنابراین بحث مدیریت روستایی را باید یک مقوله مجزا از سایر مدیریت‌ها دانست.

در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، تحولات معاصر در مدیریت روستایی شکل گرفت. سازمان ملل متحد و بانک جهانی نقش مهمی در توسعه و ارتقاء روستاها با نهادهایی نظیر برنامه‌ریزی توسعه روستایی و ایجاد سازمان‌های مشاوره محلی و روستایی ایفا کرد. در دهه ۱۹۷۰، مفهوم توسعه بشر محور و رویکردهای مبتنی بر شرکت محلی در مدیریت روستایی در توسعه روستاها مطرح شد. امروزه، مدیریت روستایی شامل برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در روستاها است. این مدیریت شامل مواردی نظیر مدیریت منابع طبیعی، توسعه کشاورزی، بهبود زیرساخت‌ها، توسعه اقتصادی محلی و نیز تقویت پایداری اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی است. همچنین، اقداماتی مانند مشارکت اجتماعی، توسعه مهارت‌های محلی و ترویج فرهنگ‌های محلی نیز در مدیریت روستایی مورد توجه قرار می‌گیرند. با این حال می‌توان گفت که مدیریت دهیاری روستایی واقعیتی پیچیده و تحت تأثیر عوامل مختلفی است که برآیند آن سیاست‌های اعلامی و اعمالی خاصی است. ترکیب این عوامل و پیچیدگی هر کدام از آنها باعث می‌شود که مدیریت دهیاری روستایی چالش‌های بسیاری را داشته باشد. همچنین، هر روستا شرایط خاص خود را دارد و برای مدیریت مؤثر، نیاز به بررسی دقیق و توجه به جزئیات مرتبط با روستا است.

در این پژوهش تلاش گردیده است تا به عوامل متعددی که بر روند مدیریت روستایی تأثیرگذار هستند پرداخته شود بنابراین سؤال اصلی این است که چه عواملی بر روند مدیریت روستایی تأثیرگذار هستند؟ مقاله به روش توصیفی تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است. فرضیه پژوهش این است که هر روستا با توجه به موقعیت جغرافیایی، ساختار سیاسی حاکم بر جامعه، شرایط اقتصادی و اجتماعی دارای روندهای مدیریت خاص خود بوده و باید در تحلیل و تصمیم‌گیری مدیریت روستایی این عوامل در نظر گرفته شود.

چارچوب مفهومی

مدیریت روستایی در واقع فرایند سازمان‌دهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن سازمان‌ها و نهادها است. این سازمان‌ها و نهادها در واقع وسایل تأمین هدف‌های جامعه روستایی می‌باشند. امروزه مدیران توسعه روستایی با بهره‌گیری از دانش‌های نوین و ابزارهای فنی کارآمد، بخش روستایی را از شکل منطقه متروکه و محدود اقتصادی-اجتماعی خارج ساخته و نوعی تنوع‌بخشی را در برنامه‌های توسعه روستایی مدنظر دارند، به گونه‌ای که نظریات و پارادیم‌های نوین توسعه روستایی نیز بر این روند تأکید دارند در همین راستا می‌توان مدیریت روستایی را برنامه‌ریزی برای روستا، سازمان‌دهی اقدام توسعه‌ای و هماهنگی و نظارت بر اقدامات انجام‌شده دانست. به عبارت دیگر، مدیریت روستایی علم تلفیق و تنظیم عوامل مختلف طبیعی، انسانی، اقتصادی و ... در جامعه روستایی است (اسکندری زویکی و مولایی، ۱۴۰۲: ۱۸). مدیریت روستایی به عنوان فرآیندی است که به منظور بهبود شرایط زندگی و توسعه پایدار در روستاها انجام می‌شود. اهمیت مدیریت روستایی در چندین جنبه قابل توجه است:

۱. حفظ و توسعه اقتصادی: مدیریت روستایی بهبود شرایط اقتصادی روستاها را هدف قرار می‌دهد. این شامل توسعه بخش‌های اقتصادی مختلف مانند کشاورزی، دامداری، صنعت کوچک و متوسط، گردشگری و سایر فعالیت‌های اقتصادی است. این بهبودها می‌تواند به ایجاد شغل‌های جدید، افزایش درآمد و بهبود سطح زندگی روستاییان کمک کند.

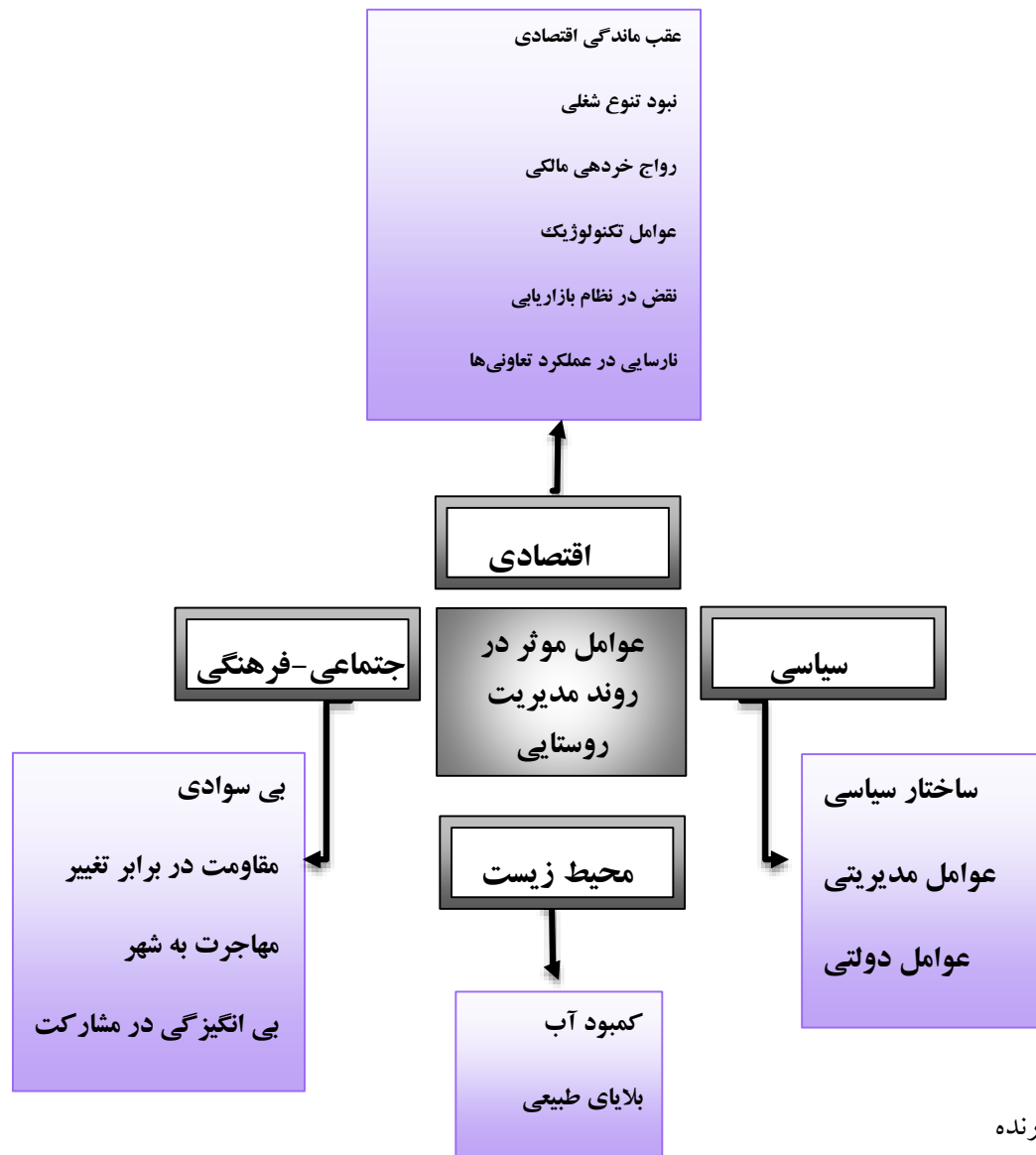
۲. حفظ منابع طبیعی: روستاها به عنوان مناطقی با منابع طبیعی غنی محسوب می‌شوند. مدیریت روستایی به حفظ و بهره‌برداری پایدار از این منابع طبیعی کمک می‌کند. این شامل حفظ خاک و آب، بهره‌برداری مسئولانه از منابع آبی، محافظت از تنوع زیستی و استفاده بهینه از منابع طبیعی است.

۳. توسعه اجتماعی و فرهنگی: مدیریت روستایی بر توسعه اجتماعی و فرهنگی روستاها تأکید می‌کند. این شامل بهبود شرایط آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، تأمین نیازهای اجتماعی و فرهنگی، تقویت هویت و ارزش‌های محلی و ترویج مشارکت اجتماعی است.

۴. توازن منطقه‌ای: مدیریت روستایی به توازن منطقه‌ای کمک می‌کند و از تمرکز ناحیه‌ای و کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی جلوگیری می‌کند. این شامل توسعه یکنواخت و متوازن روستاها در سطح منطقه و ایجاد فرصت‌های اشتغال و توسعه برای روستا.

با این حال باید گفت مدیریت دهیاری روستایی به سبب دخیل بودن عوامل مختلف دارای پیچیدگی‌هایی است. یکی از این عوامل سیاسی است که ارتباط با سیاست‌ها و قوانین دولت درباره توسعه روستاها، تخصیص منابع، سیاست‌های کشاورزی و صنعتی، ساختارهای مدیریتی روستایی و دیگر مسائل مرتبط، تأثیر بسزایی در مدیریت دهیاری روستایی دارند. عوامل اجتماعی-فرهنگی نیز با فرهنگ، آموزش، سبک زندگی، عقاید، باورها و سایر عوامل اجتماعی-فرهنگی که بر مدیریت تأثیرگذار هستند سروکار دارد. این عوامل ممکن است باعث ایجاد تفاوت‌ها و تناسب ناپذیری در بین اعضای جامعه

روستایی شوند و بر تصمیم‌گیری‌ها و فرآیندهای مدیریتی تأثیرگذار باشند. عوامل اقتصادی نیز شرایط اقتصادی روستاها، میزان توسعه اقتصادی، نیازها و منابع مالی موجود در روستاها نیز بر مدیریت دهیاری روستایی را در نظر می‌گیرد. در صورتی که منابع مالی محدود باشند، دهیاری‌ها ممکن است نتوانند به‌طور کامل نیازهای روستاها را برآورده کنند و به توسعه پایدار روستاها کمک نکنند و در نهایت موقعیت جغرافیایی، آب‌وهوا، خاک و سایر عوامل طبیعی نیز بر مدیریت دهیاری روستایی تأثیرگذار هستند. برای مثال، روستاهایی که در مناطق کوهستانی و دسترسی به منابع آب و امکانات ارتباطی و حمل‌ونقل محدود است، با مشکلات بیشتری در مدیریت روبرو هستند. از همین رو در ادامه مقاله تلاش خواهد شد تا به‌صورت دقیق به واکاوی این عوامل پرداخته شود. نکته آنکه ترکیب این عوامل و پیچیدگی هر کدام از آنها باعث می‌شود که مدیریت دهیاری روستایی چالش‌های بسیاری را داشته باشد. همچنین، هر روستا شرایط خاص خود را دارد و برای مدیریت مؤثر، نیاز به بررسی دقیق و توجه به جزئیات آن روستا دارد.



منبع: نگارنده

بررسی عوامل تأثیرگذار بر روند مدیریت روستایی

دهیاری‌ها جدیدترین نهادی هستند که برای اداره امور روستا تشکیل شده‌اند شوراهای اسلامی روستاها رکن تصمیم‌گیرنده دهیاری‌ها هستند و مهم‌ترین وظیفه دهیاری‌ها اجرای مصوبات شورا بر اساس نقشه طرح هادی مصوب داخل محدوده قانونی طرح هادی است. وظایف دهیاری از نظر سیاسی به مجموعه وظایف و مسئولیت‌هایی اشاره دارد که بر دهیاران (رئیس دهیاری) و شورای اسلامی دهیاری (سازمان عمده تصمیم‌گیری در دهیاری) در حوزه سیاسی بر عهده است. دهیاری‌ها به‌عنوان سطح پایین‌تر ساختار سیاسی کشور، نقش مهمی در توسعه و رشد جامعه ایفا می‌کنند. برخی از وظایف سیاسی دهیاری عبارت‌اند از:

۱. **نمایندگی مردم:** دهیاران به‌عنوان نمایندگان مردم در سطح محلی، مسئولیت نمایندگی از مردم و بیان نیازها و مشکلات آنان را بر عهده دارند. آن‌ها برای حل مشکلات و ارتقاء شرایط زندگی مردم در دهیاری فعالیت می‌کنند.

۲. **برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری:** دهیاری‌ها مسئول برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مختلف مانند ساخت‌وساز، توسعه اقتصادی، بهبود زیرساخت‌ها، محیط‌زیست و سلامتی هستند. آن‌ها بر اساس نیازها و پیشنهادهاى مردم و با توجه به منابع موجود، برنامه‌ها و طرح‌هایی را برای توسعه و تحول دهیاری تدوین می‌کنند.

۳. **مدیریت منابع:** دهیاران مسئول مدیریت منابع مالی و اقتصادی دهیاری هستند. آن‌ها باید بودجه دهیاری را تدوین و مدیریت کنند، منابع مالی را بهینه استفاده کنند و درآمدها و هزینه‌های دهیاری را کنترل کنند.

۴. **ارتباطات و هماهنگی:** دهیاری‌ها نقش مهمی در برقراری ارتباطات میان مردم و نهادهای دیگر دارند. آن‌ها باید با سایر سازمان‌ها و نهادهای مربوطه همکاری و هماهنگی داشته باشند تا بتوانند بهترین خدمات را به مردم ارائه دهند.

در ادامه به بررسی عواملی که بر روند مدیریت روستایی از بعد سیاسی تأثیر دارند پرداخته خواهد شد:

۱- عوامل سیاسی

عوامل سیاسی شامل سیاست‌ها و قوانین مربوط به توسعه روستاها، تخصیص منابع، سیاست‌های کشاورزی و صنعتی، ساختارهای مدیریتی روستایی و سیاست‌های دولت در این زمینه می‌شود که خود این سیاست‌ها تحت تأثیر عوامل مختلفی است که در ادامه پرداخته می‌شود:

۱-۱ **ساختار سیاسی:** ساختار سیاسی بر وظایف دهیاری تأثیر زیادی دارد. ساختار سیاسی شامل قوانین، مقررات و سیستم‌هایی است که تعیین‌کننده نحوه عملکرد دهیاری‌ها است. این ساختار می‌تواند تأثیر مستقیمی بر وظایف دهیاری‌ها داشته باشد، مثلاً در تعیین صلاحیت‌ها و مسئولیت‌های آن‌ها و همچنین در تعیین روابط بین دهیاری و سایر

سازمان‌ها و نهادهای مرتبط. همچنین، ساختار سیاسی می‌تواند تأثیری بر فرهنگ سیاسی دهیاری‌ها داشته باشد. فرهنگ سیاسی شامل اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارهایی است که در دهیاری‌ها شکل می‌گیرد. این فرهنگ می‌تواند تأثیری بر تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های سیاسی دهیاران داشته باشد؛ باید گفت تمرکز یا عدم تمرکز اداری با شاکله و گستره‌ی اقدام‌های اداری مرتبط است. در نتیجه این تقسیم‌بندی معطوف به ساختار اداری است. ساختار درونی دولت‌ها و نمود و شکل بیرونی آن‌ها بر اساس قانون اساسی تعیین می‌گردد. در حقوق اساسی، کشورهای تک‌بافت یا بسیط کشورهای هستند که از یک مرکزیت و محوریت سیاسی برخوردارند و دولت مرکزی اقتدار سیاسی خود را در پهنه‌ی جغرافیایی کشور به یک نسبت اعمال می‌کند؛ مانند ایران و فرانسه. دولت‌های چند پارچه از چندین واحد سیاسی گوناگون تشکیل می‌شود که هر کدام مستقلاً دارای اقتدار سیاسی بر قلمرو خود هستند و نظام‌های اجرایی، قضایی و تقنینی متفاوتی دارند؛ مانند ایالات متحده آمریکا، استرالیا و آلمان. در دولت‌های بسیط یا تک‌بافت، اعمال اداری تحت نظارت و کنترل دولت مرکزی صورت می‌پذیرد. در چنین دولت‌هایی دو گونه و مدل اداری قابل‌شناسایی است (پناهی، ۱۳۸۶).

۲-۱ عوامل مدیریتی

وظایف مدیریت در سازمان‌ها و نهادهای محلی شامل برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، مدیریت منابع و امکانات، هدایت، رهبری، کنترل و نظارت است که به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

برنامه‌ریزی: برنامه‌ریزی اولین وظیفه مدیریت در نهادها و سازمان‌های محلی است. برنامه‌ریزی عبارت از تعیین هدف کوتاه و پیش‌بینی راه رسیدن به آن است. در واقع برنامه، نوعی تعهد به انجام فعالیت‌های معین برای تحقق هدف به شمار می‌آید. مهم‌ترین عنصر برنامه‌ریزی، «پیش‌بینی» است. مدیران در نهادها و سازمان‌های محلی برای برنامه‌ریزی باید از روش‌های مختلف پیش‌بینی نتایج، زمان و ارزش‌گذاری که می‌تواند یک یا ترکیبی از این روش‌ها باشد استفاده کنند. این روش‌ها عبارت‌اند از قضاوت آگاهانه، پیمایشی، تجزیه و تحلیل نرخ روند و تجزیه و تحلیل سناریو. یکی از ارکان اساسی در مدیریت روستایی برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی روستایی علم اداره و کنترل سیستم‌های روستایی است و هدف اصلی آن تخصیص بهینه منابع اعم از منابع مالی و انسانی به منظور اصلاح ساختار فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی روستاها است. اصلاح ساختار کالبدی به مفهوم تعیین کاربری‌ها، شبکه‌ها، جانمایی تسهیلات و تعیین اهداف و پروژه‌های عمرانی است. همچنین تحقق اهداف مورد نظر مدیران محلی نیازمند تدوین برنامه‌ای است که در آن ملاحظات اجتماعی - فرهنگی محلی نیز مدنظر قرار گرفته باشد. اثربخشی برنامه‌ریزی روستایی، مستلزم شناخت دقیق نیازها و امکانات محلی است که از طریق مطالعات علمی امکان‌پذیر خواهد بود. برنامه‌ریزی برای توسعه محلی باید مبتنی بر داده‌های واقعی یا حقایق گردآوری شده باشد.

سازمان‌دهی: زمانی که اهداف، برنامه و استراتژی‌های هر سازمان تعیین شد، مدیران بایستی ساختار مؤثری را ایجاد نمایند که دستیابی به این اهداف را تسهیل سازد. فرآیند ایجاد ساختار سازمان را «سازمان‌دهی» می‌گویند. به عبارت دیگر سازمان‌دهی، فرایند طراحی ساختار است. در طراحی ساختار سازمانی دو اقدام مهم صورت می‌گیرد. اول اینکه وظایف

اصلی سازمان به وظایف فرعی تقسیم می‌شود. وظایف فرعی به پست‌ها و واحدهای سازمان محول می‌گردد و نوعی تقسیم کار به وجود می‌آید. سپس از طریق سازوکارهای هماهنگی، همکاری لازم برای دستیابی به هدف مشترک فراهم می‌آید. انعطاف‌پذیری سازمان در تقابل، تحولات محیطی را معین می‌سازد و سایر وظایف مدیریت را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. البته در مورد نحوه سازمان‌دهی و ترتیب مراحل ایجاد و شکل‌گیری سازمان، اختلاف نظر وجود دارد، به طوری که گروهی «روش سازمان‌دهی از پایین به بالا» و برخی «روش سازمان‌دهی از بالا به پایین» را توصیه می‌کنند. برای مثال در چارچوب نظریه‌های مکتب کلاسیک، روش دوم توصیه می‌شود. در کشور ما واحدی که در حکومت‌های محلی مسئولیت امور قانون‌گذاری را به عهده می‌گیرد، اصطلاحاً «شورای اسلامی روستا» نامیده می‌شود و دهیار عنوانی است که به مسئول امور اجرایی روستا اطلاق می‌گردد. مسئولیت قوه مقننه در سطح روستا می‌تواند بر عهده شورای اسلامی روستا باشد دهیار مسئولیت قوه مجریه در سطح محلی را بر عهده دارد. در شوراهای اسلامی و دهیاری‌های کشور با توجه به ویژگی‌های محیط روستایی و ترکیب و نوع فعالیت‌های آن لازم است سبک سازمان‌دهی وحدت قوا در قانون‌گذاری حکومت محلی که آن را ساختار کمیسیون می‌نامند، وجود داشته باشد. در غیر این صورت کارآمدی قوای مختلف زیر سؤال رفته و مانع موفقیت آن‌ها خواهد شد.

مدیریت منابع انسانی: مدیریت منابع انسانی اصطلاحی است برای توصیف گسترده‌ای از فعالیت‌های متنوع، شامل جذب، نگهداری و پرورش نیروی کار با استعداد و پرانرژی. برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که اگر افراد مناسب استخدام شوند و در جای مناسب به کار گمارده شوند، همه امور به خوبی پیش خواهد رفت. نیروی انسانی محور توسعه است و میزان موفقیت سازمان‌ها و نهادهای محلی بستگی بسیار زیادی به کم و کیف نیروی انسانی آن‌ها دارد. بررسی‌های انجام‌شده در مورد عوامل مؤثر بر موفقیت سازمان‌های محلی نشان می‌دهد که موفقیت آن‌ها با کیفیت و کارایی نیروی انسانی رابطه معناداری دارد.

هدایت و رهبری: هدایت، بر تلاش مدیر برای انگیزش مردم به منظور نیل به اهداف سازمانی، دلالت دارد. این تلاش به سه طریق صورت می‌گیرد: رهبری، انگیزش و برقراری ارتباطات. رهبری یعنی فعالیت‌هایی که مردم را برای تلاش مشتاقانه در جهت تحقق اهداف گروهی، تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجا که دستیابی به اهداف سازمان بدون همکاری و مشارکت افراد امکان‌پذیر نیست، مدیران سازمان‌های محلی باید تمام تلاش خود را بکار گیرند تا ضمن تجهیز به مهارت‌های مدیریتی، سبکی مناسب در رهبری مجموعه سازمانی انتخاب نمایند که از حداکثر ظرفیت‌های سازمانی استفاده بهینه به عمل آید.

کنترل و نظارت: کنترل و نظارت یکی دیگر از وظایف مدیریتی در سازمان‌ها و نهادهای محلی است که تکمیل‌کننده فرایند مدیریت است؛ زیرا اگر بهترین برنامه‌ریزی در نهادهای محلی انجام شود، ولی نظارتی بر آن نباشد، دستیابی به اهداف با مخاطره مواجه خواهد شد و هیچ اطمینانی وجود ندارد که منابع و امکانات در جهت صحیح به کار برده شود.

به‌طور کلی عوامل مدیریتی به‌نظام انتزاعی و تجربی که در روستا عمل سامان دادن به امور اجتماعی و تولیدی را به عهده دارد، مربوط است؛ بنابراین در این حوزه می‌توان عناصر مستقلی را به شرح زیر در بحث اندازه‌گیری وارد کرد:

۱-۲-۱ مدیریت تولید نابسامان

مدیریتی که در زمینه تولید در روستاهای کشور اعمال می‌شود، مدیریتی نیست که بر مبنای ضرورت‌های عینی و اصول علمی متکی باشد؛ همچنین مشاهده شده است که در روستاها هیچ‌گونه هماهنگی عام و کلانی در مورد تولید، توزیع و مصرف وجود ندارد و اغلب محصولات به‌وسیله واسطه‌ها و یا پراکندگی بسیار، بازار رسانی و به فروش می‌رسد. همین امر سبب کم شدن ارزش تجاری محصولات و افزایش ارزش معیشتی آن‌ها شده است.

۱-۲-۲ ناکافی بودن افراد متخصص

به دلیل کمبود امکانات جذب‌کننده در روستاها در حال حاضر اکثر افراد تحصیل‌کرده روستایی به شهر مهاجرت می‌کنند. از طرف دیگر افرادی که از بیرون برای هدایت امور روستا انتخاب می‌شوند، به دلیل عدم احساس وابستگی به مردم روستا درجه تعهد و احساس مسئولیت کافی را ندارند و این خود به عاملی تأثیرگذار بر ارزیابی مدیریت روستایی تبدیل شده است.

۱-۲-۳ نارسایی نظام کنترل

به دلیل ضعف نظام مدیریتی روستاها یک نظام کنترل و نظارت کارآمد (طبق مدل مورگان) برای پیگیری برنامه‌های عمرانی یا سایر برنامه‌های مربوط به روستا و به هدف رساندن آن‌ها به‌صورت دقیق پیش‌بینی نشده است و به همین دلیل برنامه‌های عمرانی اغلب با مشکل بهره‌دهی و به ثمر رسیدن روبه‌رو می‌باشند.

۱-۲-۴ مدیریت با ماهیت برون‌زا

یکی از مشکلات عمده اعمال مدیریت در روستاها تاکنون این بوده است که به دلیل کمبود افراد متخصص اغلب افرادی غیربومی وظایف مدیریتی را در روستا عهده‌دار می‌شوند یا اینکه به دلیل تمرکزگرایی دولت مرکزی و نارسایی‌های موجود در شوراها برای اخذ تصمیم به‌صورت مستقل تصمیم‌گیری‌ها اغلب ماهیتی غیربومی داشته‌اند. نتیجه این فرآیند آن بوده است که نگرش روستاییان به این‌گونه تصمیمات اغلب منفی است؛ به‌نحوی که برنامه‌های منتج از این تصمیم‌گیری‌ها را اغلب در حیطه منافع دولت مرکزی می‌دانند.

۲- عوامل دولتی

عوامل دولتی به جنبه‌های رسمی اعمال قدرت و میزان حضور نهادها و یا نماینده‌های دولت در روستا مربوط می‌شود و این دسته از عوامل شامل تقسیماتی به شرح زیر است:

۲-۱ مسئله امنیت و نبود آن

به دلیل مسائلی نظیر نامناسب بودن راه‌های ارتباطی و دورافتاده بودن برخی روستاها از بخش و یا مرکز، درجه امنیت بخصوص در حوزه اقتصاد در روستاها پایین آمده است. به همین دلیل سرمایه‌گذاران حاضر به سرمایه‌گذاری اقتصادی، تجاری در روستاها نمی‌باشند و همین امر به نوبه خود سبب ضعف روستاها در بخش‌های مالی و تجاری شده است (شاکری، ۱۳۸۲: ۸۹-۱۱۵).

۲-۲ تداخل وظایف سازمان‌های دولتی و وزارتخانه‌ها در روستاها

به نظر می‌رسد برای ایجاد هماهنگی میان فعالیت‌های سازمان‌های مختلف در روستا وجود یک نهاد مقتدر برای منسجم کردن فعالیت‌ها در جهت نیل به اهداف توسعه روستایی ضروری است. البته بنا به اصل ۱۰۳ قانون اساسی «استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند، در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آن‌ها می‌باشند»؛ اما عملاً شوراها توان متمرکز کردن فعالیت‌های خود را ندارند. هم‌اینک بین بسیاری از وظایف شوراها و وظایف وزارت جهاد کشاورزی و شهرداری‌ها و بخشداری‌های محلی تداخل وجود داشته و هماهنگی لازم بین آن‌ها وجود ندارد. به همین دلیل مسئولیت‌پذیری و پاسخگو بودن در امور کشاورزی در بسیاری از موارد با ابهام انجام می‌شود.

۲-۳ عدم هماهنگی و تبعیض میان سازمان‌های محلی و مرکزی

در روستاهای ایران بنا به مطالعاتی که در چارچوب این طرح پژوهشی گاهی نوعی تبعیض و اعمال قدرت از سوی بخش‌ها بر روستاها دیده می‌شود. به این ترتیب که بخش‌ها و یا به‌طور کلی تقسیمات کشوری بزرگ‌تر غالباً تمایل به اعمال قدرت در بخش‌های کوچک‌تر به گونه‌ای دارند که فرآیند توسعه به نفع و به مصلحت بخش‌های بزرگ صورت پذیرد. البته در اصل ۱۰۱ قانون اساسی برای جلوگیری از تبعیض چنین گفته شده است: «به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آن‌ها، شورای عالی استان‌ها مرکب از نمایندگان شوراهای استان‌ها تشکیل می‌شود».

۲-۴ کمبود ابزارها و سازوکارهای دولتی

برای پاسخگویی به احتياجات مردم و ضرورت‌های اداری توسعه، مبادله دیاتو نشان می‌دهد که تجربه سنگال در این زمینه مثال مناسبی به نظر می‌آید.

۲-۵ حمایت ناکافی از افراد خلاق و نوآور از سوی دولت

در گونه‌ای از روستاها که مقاومت در برابر تغییر در آن‌ها یک هنجار ذهنی - فرهنگی شده است.

۳- عوامل اجتماعی - فرهنگی و تاریخی

مصوبه هیئت وزیران - ۱۳۸۰/۱۱/۲۱ - وظایف تفصیلی دهیار و دهیاری‌ها جهت اداره و حفظ و توسعه پایدار روستا بر اساس قانون شوراها و با رعایت قوانین و مقررات مربوط به شرح زیر است:

وظایف دهیار از بعد اجتماعی:

- ۱- مشارکت و همکاری مؤثر با سازمان ثبت‌احوال در جهت ثبت موالید و متوفیات و تهیه آمار مربوط
- ۲- تشویق و ترغیب روستاییان به انجام اقدامات لازم در جهت رعایت سیاست‌های دولت.
- ۳- مشارکت و همکاری با شورا در جهت پیگیری اجرای طرح‌های عمرانی اختصاص یافته به روستا
- ۴- همکاری با نیروی انتظامی و ارسال گزارش پیرامون وقوع جرائم و اجرای مقررات خدمت وظیفه عمومی، حفظ نظم عمومی و سعی در حل اختلافات محلی.
- ۵- اجرای مصوبات شورا
- ۶- اعلام فرمان‌ها و قوانین دولت مربوط و پیگیری حسن اجرای آن‌ها
- ۷- مراقبت در وضعیت بهداشتی گرمابه‌ها، نانوايي‌ها، قصابي‌ها و فروشگاه‌های مواد غذایی و بهداشتی بر اساس ضوابط و مقررات مربوط و معرفی اماکن غیربهداشتی به مسئولان ذی‌ربط.
- ۸- کمک در احداث تأسیسات تولید و توزیع آب، برق و مخابرات و تعیین نرخ آن در روستا تا زمان اقدام مراجع ذی‌ربط (وزارت خانه‌های جهاد کشاورزی، نیرو، پست و تلگراف و تلفن و شرکت آب و فاضلاب روستایی).
- ۹- مراقبت بر بهداشت ساکنان روستا و تشریک مساعی با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای واکسیناسیون در جهت پیشگیری از بیماری‌های واگیر
- ۱۰- جلوگیری از تکدی‌گری و داشتن متکدیان به کار
- ۱۱- مراقبت بر اجرای مقررات بهداشتی و حفظ نظافت و ایجاد زمینه مناسب برای تأمین بهداشت
- ۱۲- همکاری با سازمان‌ها و نهادهای دولتی و ایجاد تسهیلات لازم برای ایفای وظایف آن‌ها.
- ۱۳- شناسایی زمینه‌های اشتغال و مساعدت در جهت تأمین کار برای افراد جویای کار و همکاری دستگاه‌ها
- ۱۴- کمک به شورا در خصوص بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و امور رفاهی روستا و تهیه طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی و عملی در زمینه‌های یادشده و ارائه آن به مسئولان ذی‌ربط جهت اطلاع و برنامه‌ریزی و اقدام لازم
- ۱۵- حضور دهیار در زمان و مکان مقرر در پاسخگویی به سؤالات در صورت تقاضای شورا
- ۱۶- ارسال گزارش ماهانه فعالیت‌های دهیاری برای شورا و رونوشت آن به بخش‌داری

در ادامه به عوامل اجتماعی - فرهنگی و تاریخی بر روند مدیریت روستایی پرداخته می‌شود:

۳-۱ پیشینه و تجارب تاریخی روستاییان

به علت سابقه ذهنی روستاییان از دوران ارباب‌رعیتی و ناتوانی روستاییان در اعمال مالکیت روی زمین‌ها، امروزه اغلب روستاییان کشور با یکی شدن اراضی مخالفت می‌کنند؛ زیرا که آن را به‌منزله سلب مالکیت و استقلال خود می‌دانند و این ذهنیت، سبب پایین آمدن میل به مشارکت خودآگاه در زمینه تولید نیز شده است. به همین دلیل است که در روستاها اغلب مشاع‌ها از نوع مشاع‌های خانوادگی است. این مسئله را دوفومیه نیز در سایر کشورها مورد مطالعه قرار داده تا راه حل مسئله کشاورزی را بر اساس شکل‌گیری مشاع‌ها پیشنهاد کند (دوفومیه، ۱۳۷۳: ۱۹).

۳-۲ مقاومت در برابر تغییر و نوآوری

پایبندی به برخی مسائل زائد در امر تولید، توزیع و حتی در روابط اجتماعی سبب می‌شود که روستائیان با برخی از تغییرات فناورانه و یا مدیریتی مخالفت کنند و در برابر آن‌ها مقاومت نمایند. نرخ مقاومت به همین دلیل شاخص مناسبی برای عملکرد مدیریت است.

۳-۳ بی‌سوادی و نارسایی‌های آموزشی

به دلیل بی‌سوادی حدود ۳۰ درصد مرکز آمار ایران از روستائیان و عدم دسترسی روستاها به بسیاری از شیوه‌های جدید اطلاع‌رسانی غالباً اطلاعات به‌صورت شفاهی در روستاها پخش می‌شود که همین امر باعث می‌شود که سیستم اطلاع‌رسانی که یکی از عوامل تأثیرگذار بر مدیریت کارآمد است، مبتنی بر اطلاعات محلی باشد. نتیجه این فرآیند، نبود آگاهی اجتماعی از مزایای فعالیت‌های مشارکت‌جویانه بوده است و سبب کاهش ظرفیت مشارکت در روستاییان شده است.

۳-۴ جامعه مطرود و سرکوب‌شده روستایی

مبایه دیانو نشان می‌دهد که دهقانان سنگالی تحت تأثیر شیوه‌های غیر مشارکتی حکومت اربابی (کار اجباری، بیگاری) به انزوا دچار شده‌اند؛ این امر همراه با:

الف) مخدوش شدن روحیه و نظام همبستگی سنتی که عواقب آن انفرادی شدن تأمین احتیاجات و ابزارها، متلاشی شدن خانواده‌ها و مزارع بزرگ و مهاجرت روستائیان بوده و ب) زیر سؤال قرار گرفتن همبستگی اجتماعی و وظایف اجتماعی سنتی که در کشمکش بین گروه‌های مختلف اجتماعی، بر اساس طبقه، نوع جنس، سن یا غیره در گذشته امکان بروزمی یافت و نقش تعدیل‌کنندگی را در کنش‌های خشونت‌بار ایفا می‌کرد، انفعال روستاییانی را در ایران در پی داشته است که فرصت ابزار نیازها یا بیان نظرات خود را درباره مشکلاتی که مستقیماً به آنان ارتباط داشته، به‌طور تاریخی نیافته‌اند. چنین تجربه‌ای را در ادبیات دهقانی ایران نیز می‌توان یافت (غفاری، ۱۳۸۰: ۲۵۷-۲۸۴).

۳-۵ مهاجرت به شهرها

درباره مهاجرت متون بسیاری موجود است و نیازی به تکرار مباحث آن‌ها در اینجا نیست. تنها باید اضافه کرد که این فرآیند همچنان ادامه دارد و کماکان از عوامل مؤثر بر فرآیندهای مدیریتی و کلان کشور است.

۴- عوامل اقتصادی و نتایج ساختاری

مصوبه هیئت وزیران - ۱۳۸۰/۱۱/۲۱ - وظایف تفصیلی دهیار و دهیاری‌ها جهت اداره و حفظ و توسعه پایدار روستا بر اساس قانون شوراها و با رعایت قوانین و مقررات مربوط به شرح زیر است:

وظایف دهیار از بعد اقتصادی:

- ۱- تأمین اراضی موردنیاز مرتبط با اهداف و وظایف دهیاری پس از اخذ مجوز قانونی.
 - ۲- تشویق و ترغیب روستاییان به توسعه صنایع دستی و اهتمام به ترویج، توسعه و بازاریابی محصولات کشاورزی و دامی روستا
 - ۳- مراقبت و حفظ و نگهداری اموال و تأسیسات عمومی در اختیار دهیاری.
 - ۴- تهیه تعرفه عوارض با همکاری شورا و ارائه آن به شورای اسلامی بخش به منظور تصویب و طی سایر مراحل قانونی
 - ۵- وصول عوارض مصوب مراجع قانونی و مصرف آن در موارد معین
 - ۶- برآورد، تنظیم و ارائه بودجه سالانه دهیاری و متمم و اصلاح آن به شورا جهت تصویب
 - ۷- انجام معاملات دهیاری اعم از خرید و فروش اموال منقول و غیرمنقول مقاطعه، اجاره و استجاره
 - ۸- تشریک مساعی با سازمان میراث فرهنگی در حفظ بناها و آثار باستانی روستا و همکاری با مسئولان ذی‌ربط برای اداره، احداث و نگهداری و بهره‌برداری از تأسیسات عمومی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ورزشی و رفاهی موردنیاز روستا در حد امکانات.
 - ۹- ارسال گزارش‌های درخواست شده به شورا در موعد مقرر توسط دهیار
- برای اجرای وظایف در این حوزه باید گفت تأثیر عوامل اقتصادی بر روند مدیریت روستایی نیز از جنبه‌های مختلفی مدنظر است که در زیر به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۴-۱ عقب‌ماندگی اقتصادی روستایی

روستاها چه در سطح کلان روستا و چه در سطح معیشتی روستاییان، دچار نارسایی‌ها و ضعف‌های مستمر اقتصادی بوده‌اند. شاخص متوسط درآمد و مقایسه آن بین شهر و روستا این ادعا را بهتر تأیید می‌کند. متوسط درآمد سالیانه یک خانوار روستایی در سال ۱۳۷۹ معادل ۱۳/۰۴۷/۴۱۱ ریال و متوسط درآمد یک خانوار شهری معادل ۲۲/۳۸۷/۷۲۵ ریال بوده است. آخرین آمار موجود مربوط به سال ۱۳۸۲ است که متوسط درآمد سالیانه خانوارهای شهری را ۳۹/۲۰۲/۴۲۷ ریال و متوسط درآمد سالیانه خانوارهای روستایی را ۲۴/۰۴۰/۴۲۱ ریال در نظر می‌گیرند (سایت مرکز آمار ایران، شهریور ۱۳۸۴) که اگرچه اندکی از تفاوت میان درآمدهای شهری و روستایی کاسته شده است با این وجود استمرار در این تفاوت چنان است که نشان‌دهنده میزان تفاوت میان شرایط اقتصادی خانوارهای روستایی و خانوارهای شهری است. زمانی این تفاوت اهمیت

بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم موقعیت‌های شغلی و امکان دستیابی به رفاه در شهرها فراوان‌تر است، اگرچه هزینه‌ها در شهرها بالاتر از روستاهاست.

۴-۲ رواج خرده مالکی و تعدد اراضی کشاورزی با مساحت‌های کوچک

طبق گزارش فائو، ۹۶ درصد از بهره‌برداری‌ها از نوع دهقانی است. بیان ملموس‌تر آنکه مثلاً در روستاهای منطقه اراک متوسط تعداد قطعات زمین به نسبت هر خرده‌مالک ۱۵ است و معمولاً مساحت هر یک از آن‌ها به ۲ هکتار می‌رسد (FAO). خرد شدن اراضی و تعدد مالکیت‌ها و تعداد مالکان، یکی از عواملی است که سبب می‌شود نیاز اراضی کشاورزی به ابزارهای تولید بیشتر شود و با توجه به کمبود امکانات مالی، این تقاضا در سطح روستاها برآورده نمی‌شود از سوی دیگر در اثر تأثیر دو عامل (۱) تعدد اراضی و تنوع غیر عقلایی کشت و؛ (۲) پراکندگی محصولات در اثر پراکندگی اراضی، سطح تولید در روستاها کاهش می‌یابد. خرد شدن واحدهای کشاورزی آن‌طور که دوفومیه نشان می‌دهد اکنون به یک عامل اقتصادی و ساختاری در سطح میان و کلان کشورها تبدیل شده است (عبدالهیان، ۱۳۸۴؛ ۲۳۸-۲۳۷).

۴-۳ نبود تنوع شغلی

نبود تنوع شغلی و انعطاف‌پذیری اقتصاد کشاورزی در برابر ناکامی‌ها و شکست‌ها. تنوع شغلی و تغییرات فناورانه دو عامل مهم هستند که تأثیر قابل توجهی در مدیریت روستایی دارند. اجازه بدهید ابتدا درباره تنوع شغلی صحبت کنم. تنوع شغلی به معنای وجود طیف گسترده‌ای از شغل‌ها و فرصت‌های اشتغال در یک روستا است. وجود تنوع شغلی در یک روستا می‌تواند به تعادل و پایداری اقتصادی روستا کمک کند. در واقع، وابستگی به یک منبع درآمد یا یک صنعت خاص می‌تواند روستا را در معرض خطر قرار دهد.

با وجود تنوع شغلی، افراد می‌توانند در زمینه‌های مختلف اشتغال پیدا کنند و درآمد خود را بهبود بخشند. به‌عنوان مثال، برخی افراد ممکن است در زمینه کشاورزی، دام‌پروری، صنعت دستی و گردشگری فعالیت کنند. این تنوع شغلی می‌تواند به توسعه اقتصادی و اجتماعی روستا کمک کند و از مهاجرت جوانان به شهرها جلوگیری کند.

۴-۴ تغییر کاربری روستاها

اخیراً بسیاری از روستاها تبدیل به خوابگاه‌های کارگران و تفرجگاه‌های شهرنشینان شده‌اند و کارکرد اقتصادی و سنتی خود را از دست داده‌اند. در روند مدیریت روستایی، تبدیل روستاها به خوابگاه‌های کارگران و تفرجگاه‌های شهرنشینان تأثیرات مختلفی دارد که می‌توان به صورت زیر توضیح داد:

۱. تغییر در ترکیب جمعیت: وقتی که روستاها به خوابگاه‌های کارگران تبدیل می‌شوند، جمعیت روستاها تغییر می‌کند. افرادی که به خوابگاه‌ها می‌روند، عموماً کارگران مهاجر هستند که از روستا به دنبال کار و درآمد به شهرها می‌روند. این تغییر در ترکیب جمعیت ممکن است باعث تغییرات اجتماعی و فرهنگی در روستاها شود.

۲. کاهش فعالیت‌های اقتصادی در روستا: وقتی که بخشی از جمعیت روستا به خوابگاه‌های کارگران مهاجرت می‌کنند، فعالیت‌های اقتصادی در روستاها کاهش می‌یابد. به دلیل کاهش نیروی کار در روستاها، فعالیت‌های کشاورزی و دامداری

که از جمله فعالیت‌های اصلی روستاها است، ممکن است کاهش یابد و این می‌تواند به تدریج به کاهش درآمد و رونق اقتصادی در روستاها منجر شود.

۳. تغییر در فضای فیزیکی روستا: تبدیل روستاها به خوابگاه‌های کارگران و تفرجگاه‌های شهرنشینان ممکن است باعث تغییرات در فضای فیزیکی روستاها شود. ممکن است نیاز به ساختمان‌ها و تجهیزات جدید برای اقامت و تفرجگاه افراد مهاجر وجود داشته باشد. این تغییرات ممکن است به شکل ساختمان‌های مسکونی جدید، خدمات عمومی، مغازه‌ها و سایر زیرساخت‌ها در روستاها نمایان شوند.

در کل، تبدیل روستاها به خوابگاه‌های کارگران و تفرجگاه‌های شهرنشینان تأثیراتی در جمعیت، اقتصاد و فضای فیزیکی روستاها دارد؛ اما این تأثیرات ممکن است به‌طور متفاوت در نقاط مختلف و با توجه به شرایط محیطی و اجتماعی هر روستا متفاوت باشد. همچنین، مدیریت مناسب و هماهنگی بین مراکز شهری و روستایی می‌تواند در کاهش تأثیرات منفی و تحقق توسعه پایدار در روستاها مؤثر باشد

۴-۵ عوامل تکنولوژیکی

تغییرات تکنولوژیکی نیز تأثیر زیادی بر مدیریت روستایی دارند. تکنولوژی‌های جدید می‌توانند فرصت‌های جدیدی را در اختیار روستاها قرار دهند و فرآیندهای مختلف را بهبود بخشند. به‌عنوان مثال، استفاده از فناوری در کشاورزی می‌تواند به افزایش بهره‌وری، تسهیل در دسترسی به اطلاعات و بازارهای جدید و کاهش وابستگی به عوامل طبیعی کمک کند. همچنین، فناوری‌های نوین می‌توانند در زمینه‌های دیگری مانند ارتباطات، حمل‌ونقل، بهداشت و درمان و امور اداری نیز تأثیرگذار باشند. بهبود ارتباطات و دسترسی به اینترنت در روستاها می‌تواند به ایجاد فرصت‌های کسب‌وکار و ارتقای سطح زندگی ساکنین کمک کند. با این حال، تغییرات تکنولوژیکی همچنین می‌تواند به چالش‌هایی نیز منجر شوند. برخی از ساکنین روستاها ممکن است به دلیل عدم آشنایی با تکنولوژی‌های جدید، مشکلاتی را در استفاده از آنها داشته باشند. همچنین، تغییرات تکنولوژیکی ممکن است منجر به از بین رفتن برخی شغل‌ها و تغییرات در ساختار اجتماعی روستاها شود. به دلیل استفاده از روش‌های ناکارآمد قدیمی در بسیاری از مراحل تولید و همچنین به دلیل کمبود کارخانه‌های فرآوری محصولات در محل، بخش عمده‌ای از محصولات قبل از رسیدن به دست مصرف‌کننده به هدر می‌رود.

۴-۶ روش‌های نامناسب بازاریابی

در این حوزه نیز تجربه نشان می‌دهد که نبود یک واحد سازمان‌یافته در روستاها که بتواند محصولات را جمع‌آوری و به فروش برساند، سبب می‌شود تا اغلب فرآورده‌های روستا یا به‌صورت سوغات و یا از طریق واسطه‌ها در بازارهای محلی به فروش برسند و یا بدون رعایت اصول بازاریابی سرمایه از روستا خارج شوند. در نتیجه ارزش تجاری بخشی قابل ملاحظه‌ای از محصولات کشاورزی یا پایین است و یا به حساب نمی‌آید.

۴-۷ نارسایی کمی و کیفی عملکرد تعاونی‌های روستایی

بنا بر دلایل ساختاری و در نتیجه برخورد با مشکلات اداری و اجتماعی، آن دسته از تعاونی‌های روستایی که در جهت رفع نیازهای روستاییان بکوشند، بسیار کم شده‌اند. به علاوه و به سخن دیگر، فعالیت این گونه تعاونی‌ها به دلیل نبود فرهنگ تعاونی در میان روستاییان، معمولاً تنها به تهیه کالاهای مصرفی روستاها از شهر خلاصه شده است (عبدالهیان؛ ۱۳۸۴: ۲۳۹).

۵- ۵) عوامل جغرافیایی مانند کمبود آب و بلایای طبیعی می‌توانند تأثیر زیادی بر روند مدیریت دهیاری روستایی داشته باشند. در ادامه چند نکته در این باره را بررسی می‌کنیم:

۱. کمبود آب: وجود منابع آبی کافی برای تأمین نیازهای روستاها از جمله تأمین آب شرب، آبیاری زمین‌ها و سایر مصارف ضروری است. در صورت کمبود آب، مدیریت دهیاری روستایی باید به دنبال راهکارهای مناسب جهت تأمین آب باشد. این شامل تأمین آب از طریق احداث چاه‌ها، استفاده از سیستم‌های باران آبی، اصلاح شبکه آبیاری و بهبود مدیریت مصرف آب است. همچنین می‌توان از تکنولوژی‌های جدید مانند تصفیه آب و احداث تأسیسات آب برای استفاده روستاییان از آب بهره برد.

۲. بلایای طبیعی: بلایای طبیعی مانند زلزله، سیل، خشک‌سالی و حوادث آتش‌سوزی می‌توانند روستاها را تحت تأثیر قرار دهند. در این شرایط، مدیریت دهیاری روستایی باید به ایجاد ظرفیت‌های مقاومت در برابر بلایای طبیعی توجه کند. این شامل ارتقاء سطح آمادگی و آموزش افراد در مقابله با بلایای طبیعی، احداث سیستم‌های هشداردهنده و ایجاد زیرساخت‌های مقاوم در برابر زلزله، سیل و خشک‌سالی است. همچنین، احداث برنامه‌های بازسازی و بازآفرینی پس از بلایای طبیعی نیز از وظایف مدیریت دهیاری روستایی است.

چالش‌های فراوری مدیریت روستایی

مدیریت روستایی به مجموعه فعالیت‌ها و روش‌های مدیریتی اشاره دارد که در روستاها و مناطق روستایی انجام می‌شود. هدف اصلی مدیریت روستایی ارتقاء و توسعه پایدار مناطق روستایی است. در این پژوهش تلاش شد تا عوامل مؤثر بر روند مدیریت روستایی مورد واکاوی قرار بگیرد که نتایج بررسی‌ها به صورت زیر جمع‌بندی می‌گردد:

الف) عوامل سیاسی: شامل ساختار سیاسی و عوامل مدیریتی و عوامل دولتی توانایی تحت تأثیرگذاری بر روند مدیریت دهیاری روستایی را دارند. این تأثیرات شامل موارد زیر است:

۱. ساختار سیاسی: ساختار سیاسی تعیین‌کننده قوانین، مقررات و سیستم‌های سیاسی است که در کار مدیریت دهیاری روستایی دخیل می‌شوند. این ساختار می‌تواند شکل‌دهنده قدرت، حاکمیت و نقش دهیار در تصمیم‌گیری‌ها باشد. به عنوان مثال، در سیستم‌های دولتی مرکزی‌تر، قدرت تصمیم‌گیری و ضوابط و مقررات بیشتر به دستگاه‌های دولتی منتقل

می‌شوند و نقش دهیار کاهش می‌یابد؛ اما در سیستم‌های کنونی با تمرکز بر مدیریت توسعه محلی، قدرت تصمیم‌گیری بیشتر به دهیاران و شوراهای روستایی منتقل می‌شود.

پیشنهادها برای ساختار سیاسی:

- تقویت نقش و اختیارات دهیاران در تصمیم‌گیری‌های مربوط به روستا و جامعه.
- ارتقاء شفافیت در فرآیند تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی به شهروندان.
- تشکیل شوراهای مشاور و همکاران حرفه‌ای برای کمک به دهیار در اجرای وظایف.

۲. عوامل مدیریتی: عوامل مدیریتی شامل تجربه، مهارت‌ها و روش‌های مدیریتی است. تجربه و مهارت‌های مدیران

دهیاری روستایی می‌تواند تأثیری قابل توجه در عملکرد و کیفیت مدیریت داشته باشد. همچنین، استفاده از روش‌های مدیریتی مؤثر و بهره‌ور می‌تواند در بهبود عملکرد دهیاری روستایی کمک کند. به‌عنوان مثال، استفاده از روش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک، مدیریت ارزش‌افزوده و مشارکتی می‌تواند بهبود عملکرد دهیاری را فراهم کند.

پیشنهادها برای عوامل مدیریتی:

- آموزش حرفه‌ای و مدیریتی برای دهیاران به‌منظور بهبود مدیریت منابع، بودجه، پروژه‌ها و خدمات روستا.
- استفاده از فناوری اطلاعات و ابزار هوشمند برای بهبود فرآیندها و کاهش هزینه‌ها.
- تقسیم وظایف بین دستگاه‌های مختلف دولت، سازمان‌ها و نهادهای مربوطه به‌منظور افزایش هماهنگی و کارایی.

۳. عوامل دولتی: عوامل دولتی شامل تأمین منابع مالی، حمایت سیاسی و تأمین منابع انسانی است. ضرورت تأمین منابع

مالی مناسب برای دهیاری روستایی برای اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین، حمایت سیاسی از سوی دولت به روستاها و دهیاری‌های روستایی می‌تواند تأثیر مثبتی بر روند مدیریت دارند.

پیشنهادها برای عوامل دولتی:

- تأمین منابع مالی و بودجه‌ای کافی برای توسعه روستا و ارائه خدمات به شهروندان.
- اصلاح قوانین و مقررات مربوط به دهیاری‌ها به‌منظور ساده‌سازی فرآیندها و کاهش مشکلات اداری.
- تقویت همکاری بین دولت محلی، دولت مرکزی و سایر نهادها در راستای توسعه روستا.

(ب) عوامل اجتماعی-فرهنگی مذکور به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر قابل توجهی بر روند مدیریت دهیاری و توسعه روستاها دارند. در ادامه به توضیح تأثیر هر کدام از این عوامل می‌پردازیم:

۱. بی‌سوادی: بی‌سوادی در روستاها می‌تواند به کاهش سطح آگاهی و دانش جمعی در مورد اصول مدیریت دهیاری و

روش‌های توسعه روستاها منجر شود. افراد بی‌سواد کمترین دسترسی به اطلاعات مربوطه را دارند و بنابراین قادر به مشارکت فعال در فرآیند تصمیم‌گیری روستایی نمی‌باشند.

پیشنهاد برای رفع بی‌سوادی:

- تمرکز بر آموزش و پرورش

- ایجاد مدارس و مراکز آموزشی در روستاها
- تأمین منابع لازم برای تحصیل کودکان و جوانان

۲. مقاومت در برابر تغییر: در برخی از روستاها، افراد مقاومت قوی در برابر تغییر و اصلاحات دارند. آنها ممکن است به دلیل عدم آگاهی و نگرانی‌ها درباره نتایج تغییر، مخالفت کنند. این مقاومت می‌تواند روند مدیریت دهیاری را کند و کاهش توانمندی‌هایی که برای توسعه روستاها وجود دارد، به همراه داشته باشد.

پیشنهاد برای رفع مقاومت در برابر تغییر:

- آگاه‌سازی افراد در اینکه تغییرات لازم و ضروری هستند
- اطلاع‌رسانی مناسب

* انجام جلسات گروهی

- استفاده از نمونه‌های مثبت از روستاهای دیگر که با تغییرات موفق هستند

۳. مهاجرت به شهر: مهاجرت پر قدرت از روستا به شهر، تولید نیروی کار و توانمندی‌های انسانی را در روستا کاهش می‌دهد. این موضوع می‌تواند در روند مدیریت دهیاری و توسعه روستاها نقش مهمی ایفا کند، چراکه کمبود نیروی کار می‌تواند محدودیتی برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌های روستایی ایجاد کند.

پیشنهادها برای رفع مهاجرت به شهر:

- فعال ساختن صنایع کوچک و متوسط در روستاها
- ایجاد فرصت‌های شغلی و تأمین درآمد مناسب برای افراد،
- جذب نیروی کار را در روستاها

۴. بی‌انگیزی در مشارکت: در برخی از روستاها، بی‌انگیزی به عنوان یک موضوع مشترک دیده می‌شود. افراد ممکن است به دلیل عدم اعتماد به مدیران دهیاری، عدم تغییرات قابل مشاهده در شرایط زندگی مردم یا حتی تجربه تلخ از تعاملات قبلی با مقامات قومی دارند

برای مقابله بایی انگیزی در مشارکت، نیاز است به فعال ساختن فضای عمومی و فرهنگ‌سازی برای اهمیت دادن به مشارکت در تصمیم‌گیری‌های روستایی. برگزاری جلسات عمومی، تشکیل گروه‌های مشارکت شهروندان و افزایش آگاهی درباره حقوق و تأثیرات مشارکت، ممکن است بهبود قابل توجهی در این زمینه داشته باشد.

پ) عوامل اقتصادی می‌توانند تأثیرات مخربی بر روند مدیریت دهیاری روستایی داشته باشند. در ادامه به توضیح تأثیرات هر یک از این عوامل می‌پردازیم:

۱. عقب‌ماندگی اقتصادی: عقب‌ماندگی اقتصادی در روستاها می‌تواند باعث کاهش منابع مالی و درآمد مردم شود. این موضوع منجر به کمبود منابع مالی در دسترس دهیاری می‌شود و توانایی آنها در ارائه خدمات عمومی را کاهش می‌دهد.

۲. نبود تنوع شغلی: در روستاها، عمدتاً از کشاورزی و دامپروری به عنوان منابع اصلی درآمد استفاده می‌شود. عدم تنوع شغلی منجر به وابستگی بیشتر به این دو قطاع و در نتیجه افزایش آسیب‌پذیری روستاها می‌شود. ضعف در تنوع شغلی می‌تواند بر توانایی دهیاری در بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی روستا تأثیر منفی بگذارد. پیشنهاد رفع چالش اقتصادی:

- ترویج کسب و کارهای محلی و سودآور در روستاها به منظور افزایش درآمد و شغل‌ها.

- تشویق به تولید محصولات کشاورزی با کمترین هزینه و بالاترین بازده.

- پشتیبانی از صنایع دستی و صنایع فرآورده‌گر در روستاها.

۳. رواج خرده مالکی: در بسیاری از روستاها، خرده مالکی وجود دارد که به دلیل کوچک بودن و عدم دسترسی به اقتصادهای مقیاس بزرگ‌تر، قدرت تسریع پایین‌تر و هزینه‌های بیشتری دارند. این موضوع منجر به افزایش هزینه‌های تولید می‌شود و بر قدرت رقابتی کشاورزان و تولیدکنندگان روستایی تأثیر منفی می‌گذارد. پیشنهاد رفع چالش خرده مالکی:

- تشویق به ایجاد تعاونی‌های بزرگ‌تر و قدرتمندتر در روستاها.

- افزایش آگاهی و آموزش دهیاران درباره مزایای تعاونی‌ها و نحوه تشکیل آن‌ها.

۴. عوامل تکنولوژیک: عدم دسترسی به فناوری و نیروی انسانی ماهر می‌تواند یکی از چالش‌های مدیریت دهیاری روستایی باشد. استفاده مؤثر از فناوری‌های جدید و توانمندسازی نیروی انسانی روستایی می‌تواند به بهبود عملکرد دهیاری و توسعه اقتصادی روستاها کمک کند. پیشنهاد رفع چالش تکنولوژی:

- آموزش و پشتیبانی فن‌آورانه به دهیاران و سایر کارکنان دهیاری برای استفاده بهینه از فناوری‌های جدید.

- فراگیری استفاده از نرم‌افزارهای مدیریت داده‌ها و اطلاعات در دهیاری‌ها.

۵- نقض در نظام بازاریابی به معنای عدم رعایت قوانین و قواعد بازار در روستاها است. این ممکن است به دلیل عدم آگاهی مردم از اصول بازاریابی یا عدم توانایی دسترسی به اطلاعات بازار باشد. در این حالت، ممکن است دهیاری‌ها به علت عدم فهم صحیح نیازها و تقاضاهای مردم، نتوانند خدمات مناسب واجد شرایط را ارائه کنند. همچنین، نقض در نظام بازاریابی می‌تواند باعث وجود شکاف بین عرضه و تقاضا در روستاها شده و عدم تعادل در بازار ایجاد کند. پیشنهاد رفع چالش نقض بازاریابی:

- ترویج محصولات روستایی و صنایع دستی در بازارهای محلی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی.

- ارائه آموزش‌های بازاریابی به دهیاران و سایر کارکنان دهیاری.

۶- نارسایی در عملکرد تعاونی‌ها نیز یکی از عوامل اقتصادی است که بر روند مدیریت دهیاری روستایی تأثیر می‌گذارد. تعاونی‌ها به عنوان ساختارهای اقتصادی مهم در روستاها وظایف و مسئولیت‌هایی از قبیل تولید، بازاریابی و توزیع محصولات را بر عهده دارند؛ اما نارسایی در عملکرد تعاونی‌ها می‌تواند به مواردی مانند ناکافی بودن منابع مالی و فنی، عدم

مشارکت بهینه اعضا و نقص در مدیریت منجر شود. این موارد می‌توانند باعث نامناسب شدن عملکرد تعاونی‌ها در تأمین نیازهای روستاها شده و تأثیرات منفی بر روند مدیریت دهیاری‌ها داشته باشند.

پیشنهاد رفع چالش ضعف عملکرد تعاونی‌ها:

- پشتیبانی مالی و فنی از تعاونی‌ها برای بهبود عملکرد آن‌ها.

- افزایش آگاهی کارکنان دهیاری درباره نقش و اثربخشی تعاونی‌ها در توسعه روستا.

۵) عوامل جغرافیایی مانند کمبود آب و بلایای طبیعی می‌توانند تأثیر زیادی بر روند مدیریت دهیاری روستایی داشته باشند. در ادامه چند نکته در این باره را بررسی می‌کنیم:

۱. کمبود آب: وجود منابع آبی کافی برای تأمین نیازهای روستاها از جمله تأمین آب شرب، آبیاری زمین‌ها و سایر مصارف ضروری است.

برای رفع کمبود آب در روستاها، می‌توان از روش‌های زیر استفاده کرد:

۱. احداث سدها و تأسیسات ذخیره‌سازی آب: سدها و تأسیسات ذخیره‌سازی آب می‌توانند به عنوان منابع اصلی تأمین آب در روستاها عمل کنند. برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در احداث سدها و تأسیسات مشابه می‌تواند به روستاها کمک کند.

۲. استفاده از فناوری‌های نوین: استفاده از فناوری‌های نوین مانند تصفیه آب، چرخش محور جغرافیای دیدار و استفاده بهینه از منابع آب، می‌تواند به بهبود مدیریت منابع آب در روستاها کمک کند.

۳. حفظ منابع طبیعی: حفظ منابع طبیعی مانند جنگل‌ها، رودخانه‌ها و چشمه‌های آب نقش بسزایی در تأمین آب روستاها دارند؛ بنابراین، حفظ این منابع و جلوگیری از تخریب آن‌ها می‌تواند به مدیریت منابع آب در روستاها کمک کند.

۲. بلایای طبیعی: بلایای طبیعی مانند زلزله، سیل، خشک‌سالی و حوادث آتش‌سوزی می‌توانند روستاها را تحت تأثیر قرار دهند.

برای رفع بلایای طبیعی، می‌توان از روش‌های زیر استفاده کرد:

۱. برنامه‌ریزی و پیشگیری: برنامه‌ریزی قبل از وقوع بلایای طبیعی و پیشگیرانه عمل کردن می‌تواند به حداقل رساندن خسارات ناشی از آن‌ها کمک کند. این شامل ساخت سدها، تقویت سیستم‌های حفاظت در برابر سیلاب و تحصین منطقه‌های عمده در برابر زلزله است.

۲. اطلاع‌رسانی و آموزش: اطلاع‌رسانی به جامعه در مورد خطرات بلایای طبیعی و چگونگی مدیریت صحیح با آن‌ها می‌تواند به کاهش خسارات ناشی از آن‌ها کمک کند.

جمع‌بندی

عوامل تأثیرگذار بر روند مدیریت دهیاری روستایی و چالش‌های فراروی آن در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور که در مقاله نشان داده شد ساختار سیاسی بر وظایف دهیاری تأثیر زیادی دارد زیرا شامل قوانین، مقررات و

سیستم‌هایی است که تعیین‌کننده نحوه عملکرد دهیاری‌ها است. از سوی دیگر وظایف مدیریت برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، استفاده بهینه از منابع و امکانات، هدایت، رهبری، کنترل و نظارت است و بدون شک تدوین برنامه‌ها با ملاحظات اجتماعی - فرهنگی محلی نیز مدنظر قرار باید بگیرد. مدیران بایستی ساختار مؤثری را ایجاد نمایند که دستیابی به این اهداف را تسهیل سازد. همچنین بررسی‌های انجام‌شده نشان داد که کیفیت و کارایی نیروی انسانی بسیار مهم است. برای هدایت و تضمین مدیریت برنامه‌ها نظارت ضرورت دارد و گرنه دستیابی به اهداف با مخاطره مواجه خواهد شد.

در این پژوهش نشان داده شد که عوامل دولتی به جنبه‌های رسمی اعمال قدرت و میزان حضور نهادها و یا نماینده‌های دولت در روستا می‌تواند بر مدیریت تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر نشان داده شد که مسائل زیرساختی چون راه‌های ارتباطی و یا مسائلی چون دورافتاده بودن برخی روستاها از بخش و یا مرکز برای ایجاد هماهنگی میان فعالیت‌های سازمان‌های مختلف در روستاها اهمیت دارد. یکی از مسائلی که مورد توجه قرار گرفت این بود که کمبود ابزارها و سازوکارهای دولتی، حمایت ناکافی از افراد خلاق و نوآور از سوی دولت بخشی از ضعف‌های مدیریتی هستند. به علاوه به عنوان عوامل اجتماعی - فرهنگی و تاریخی سابقه ذهنی روستاییان از دوران ارباب‌رعیتی و ناتوانی روستاییان و تمایل به مالکیت روی زمین‌ها از یکی شدن اراضی ممانعت به عمل می‌آورد هرچند می‌توان با برخی از تغییرات فناورانه مسئله را تا حدی جبران کرد. به‌هرحال سطح آگاهی رابطه مستقیم با افزایش یا کاهش ظرفیت مشارکت روستاییان نیز به‌عنوان عامل دیگر در مدیریت است.

باید گفت مسائلی مرتبط با عقب‌ماندگی اقتصادی روستایی از جمله رواج خرده مالکی و تعدد اراضی کشاورزی با مساحت‌های کوچک، نبود تنوع شغلی و انعطاف‌پذیری اقتصاد کشاورزی در برابر ناکامی‌ها و شکست‌ها وجود دارند. یکی از نکات قابل توجه این است که اخیراً بسیاری از روستاها تبدیل به خوابگاه‌های کارگران و تفرجگاه‌های شهرنشینان شده‌اند و کارکرد اقتصادی و سنتی خود را از دست داده‌اند که در کنار روش‌های نامناسب بازاریابی، نارسایی کمی و کیفی عملکرد تعاونی‌های روستایی یا عوامل جغرافیایی مانند کمبود آب و بلایای طبیعی بر میزان کارایی و کارآمدی مدیریت روستایی و نقش مهم روستاها در کشور تأثیر دارند. در کل چالش‌های فراروی مدیریت روستایی عبارت‌اند از:

۱- عوامل سیاسی: شامل ساختار سیاسی و عوامل مدیریتی و عوامل دولتی

۲- عوامل مدیریتی شامل تجربه، مهارت‌ها و روش‌های مدیریتی است

۳- عوامل دولتی شامل تأمین منابع مالی، حمایت سیاسی و تأمین منابع انسانی است

۴- عوامل اجتماعی- فرهنگی شامل بی‌سوادی، مقاومت در برابر تغییر، مهاجرت به شهر، بی‌انگیزگی در مشارکت است.

از نظر اقتصادی نبود تنوع، ضعف فناوری، خرده مالکی، نقض بازاریابی، ضعف عملکرد تعاونی‌ها است.

عوامل طبیعی نیز کمبود آب و بلایای طبیعی است.

منابع

- اسکندری زویکی، علی؛ مولایی، آیت (۱۴۰۲)، مدیریت روستایی در نظام اداری ایران، فصلنامه مطالعات علم حقوق، سال دوفومیه (۱۳۷۲)، جغرافیا و سیاست‌های ارضی، ع. پورفیکویی، مشهد: نشر نیکا، ۱۳۷۲.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ دوم، تهران نشر قومس. سوم، شماره نهم، بهار ۱۴۰۲، صص ۱۶-۳۵
- شاکری، علی؛ موسوی محمد (۱۳۸۲)، بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی در بخش کشاورزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش. ۴۳ و ۴۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
- عبدالهیان، حمید، شریعتی، شیما و شوشتری زاده، ۱۳۸۴.
- غفاری، سید امین (۱۳۸۰)، فضا و ساماندهی نظام فضایی سکونتگاه‌های روستایی، نشریه علمی سپهر، دوره دهم، شماره سی و نهم